



همکاری ترکیه و بلغارستان در حوزه انرژی سبز

بلغارستان و ترکیه به عنوان کریدورهای ترانزیت انرژی که تولیدکنندگان منطقه خزر و خاورمیانه را به بازارهای اروپایی متصل می‌کند، از موقعیت‌های راهبردی برخوردارند. این جغرافیای مشترک در طول چندین دهه، به جای آنکه باعث همکاری شود، عامل رقابت بوده است. مدت‌هاست که ترکیه آرزو دارد با استفاده از موقعیتش بین اروپا و آسیا، با تمرکز بر پروژه‌هایی مانند «ترک‌استریم» و «کریدور گاز جنوبی»، به یک هاب انرژی منطقه‌ای تبدیل شود. در این میان بلغارستان یک نقطه کلیدی ترانزیت برای ورود خطوط لوله گاز روسیه به اروپا بوده است و خط لوله گاز «بالکان‌استریم» را که امتداد «ترک‌استریم» است، اداره می‌کند. این رقابت را همسویی‌های ژئوپلیتیکی متفاوت و وابستگی‌های انرژی شکل داد. از نظر تاریخی بلغارستان بیشتر به منابع روسیه‌متکی بود و ترکیه به دنبال تنوع‌بخشی از طریق آذربایجان و منابع دیگر بود. با این حال، چشم‌انداز ژئوپلیتیک در حال تغییر است. حرکت سریع اتحادیه اروپا به سمت بی‌طرفی اقلیمی، افزایش ارزش راهبردی انرژی‌های تجدیدپذیر و اعمال تحریم‌ها علیه روسیه توجهات را به انرژی سبز معطوف کرده است. از لحاظ تاریخی، همکاری بلغارستان و ترکیه بر زیرساخت‌های گازی، به‌ویژه «ترک‌استریم» و «خط لوله گاز طبیعی ترانس آناتولی» (TANAP) متمرکز بود. اما امروزه برق، به‌ویژه برق سبز، به عنوان یک تمرکز جدید مطرح شده است. نقطه عطف مهم در این مشارکت در حال تحول در آوریل ۲۰۲۵ رخ داد؛ زمانی که ترکیه، بلغارستان، آذربایجان و گرجستان یادداشت تفاهم چهارجانبه‌ای را در چارچوب طرح «انتقال و تجارت برق سبز» امضا کردند. قبل از این یادداشت‌تفاهم، یک سری نشست‌ها در سطوح بالا برگزار شد که از اوت ۲۰۲۴ در استانبول و زمانی آغاز شد که وزرای انرژی بلغارستان و ترکیه مقدمات این مرحله جدید از همکاری را فراهم کردند. همکاری نوظهور ترکیه و بلغارستان در زمینه انرژی سبز نشان‌دهنده تغییری قابل توجه در پویایی منطقه است و تأثیرات عمیقی بر چشم‌انداز آینده انرژی در جنوب شرق اروپا و فراتر از آن خواهد داشت. این مشارکت که با یادداشت تفاهم چهارجانبه با آذربایجان و گرجستان رسمیت یافت، نشان‌دهنده حرکت از روابط سنتی متکی بر هیدروکربن به سوی یک همکاری آینده‌نگر با محوریت انتقال برق تجدیدپذیر است. این کشورها به همراه هم در حال ایجاد یک چارچوب جدید انرژی هستند که امنیت انرژی منطقه‌ای را تقویت می‌کند، و با اهداف اقلیمی گسترده‌تر اروپا همسو می‌شود. این ابتکار آسیب‌پذیری پیرامونی بلغارستان را به مزیت راهبردی تبدیل می‌کند و این کشور را در جایگاه یک مرکز منطقه‌ای بالقوه برای انرژی پایدار در بالکان قرار می‌دهد. بلغارستان از طریق پروژه‌های زیرساختی مدرنیزه شده مانند «Greenabler» و تقویت ادغام با سیستم برق اروپا، به طور جدی و فعال برای دستیابی به اهداف اقلیمی خود تلاش می‌کند؛ در عین حال امنیت انرژی خود را افزایش و وابستگی به تامین‌کنندگان سنتی را کاهش می‌دهد. ترکیه با ظرفیت انرژی‌های تجدیدپذیر خود که به سرعت در حال گسترش است و طرح‌های جاه‌طلبانه هیدروژن سبز، در حال عبور از نقش تاریخی خود به عنوان یک کشور ترانزیت و تبدیل شدن به یک بازیگر در بازار نوظهور انرژی کم‌کربن است. کریدور انرژی سبز به انکارا این فرصت را می‌دهد تا از موقعیت جغرافیایی و زیرساخت‌های موجود خود برای تسهیل صادرات برق تجدیدپذیر به بازارهای اروپایی استفاده و در نتیجه اهمیت ژئوپلیتیکش را تقویت کند. آذربایجان با تنوع بخشیدن به صادرات انرژی به فراتر از هیدروکربن‌های سنتی و تثبیت خود به عنوان یک تامین‌کننده منابع انرژی پاک، به دنبال سودبردن از این مشارکت است. این همکاری چهارجانبه چیزی بیش از یک پروژه انرژی است. این همکاری مظهر پیکربندی راهبردی مجدد روابط منطقه‌ای است که با الزامات اقلیمی و با هدف انتقال انرژی اروپا هدایت می‌شوند. این ابتکار با تقویت وابستگی و منافع متقابل از طریق همکاری در حوزه انرژی سبز، از پتانسیل کمک به ثبات منطقه‌ای، توسعه اقتصادی و پایداری محیط‌زیست برخوردار است.

بین‌الملل



گروه بین‌الملل: سخვნرانی‌هایی از این دست، سخვნرانی‌هایی معمولی نیستند. سخვნرانی جی‌دی‌ونس، معاون رئیس‌جمهوری آمریکا در آکادمی نیروی دریایی، دربردارنده چارچوبی از سیاست خارجی آمریکا و نقش نیروی زمینی در این سیاست است. آنچه که ونس در این سخვნرانی گفته، منعکس‌کننده قصد دولت ترامپ برای ایجاد یک چرخش بزرگ در نگاه ایالات متحده به استفاده از نیروی نظامی در جهت حفظ منافعش در سراسر جهان است. نگاه انزواگرایانه در این سخنان کاملاً مشهود است. ونس علیه دخالت‌های نظامی آمریکا در خارج از خاک خود سخن می‌گوید. طبق سخنان ونس، ایالات متحده در دولت ترامپ از ورود به درگیری‌های نظامی طولانی‌مدت فراری است و صرفاً زمانی از نیروی نظامی استفاده می‌کند و وارد جنگ می‌شود که استراتژی خروج برای آن تعیین شده باشد. این سیاست، به کلی با سیاستی که دولت‌های آمریکا در ۲۵ سال گذشته در پیش گرفته بودند، تفاوت دارد. ترجمه این سخვნرانی برای آشنایی بیشتر مخاطب ایرانی با دیدگاه‌های سیاست‌گذاران آمریکایی در دولت ترامپ ارائه می‌شود.

همیشه خطرناک است که به یک سیاستمدار میکروفن بدهید اما می‌دانم که من یکی از آخرین چیزهایی هستم که بین شما و ماموریت و مدرکتان قرار دارد. بنابراین از روی احترام، فقط می‌خواهم بدانید که این سخვნرانی فقط سه‌ساعت‌ونیم یا چهار ساعت طول خواهد کشید. امیدوارم همه شما کِرم ضد آفتاب خود را آورده باشید زیرا اینجا هوا روشن است.

شما، همه محصول یک میراث باورنکردنی هستید. افرادی که سخت تلاش کردند تا به شما آموزش خوب، غذا روی میز و حس مهم بودن بدهند. افرادی که شما را به کلیسا، به تمرین‌ها، به جلسات تدریس خصوصی بردند. افرادی که وقتی در سخنی بودید برای شما دعا کردند و در لحظاتی مانند امروز با شما جشن گرفتند. بیشتر شما به اندازه کافی خوش‌شانس هستید که کسی را اینجا دارید تا با شما جشن بگیرد. برخی از شما ندارید. اما چه آنها اینجا با شما باشند و چه نباشند، بهترین توصیه‌ای که می‌توانم به شما بدهم این است که زندگی خود را در ناوگان با روحیه قدردانی آغاز کنید. در سخვნرانی‌هایی مانند این، مرسوم است که افرادی مانند من تریک بگویند و شاید کمی نصیحت کنند. البته، من هم دقیقاً همین کار را می‌کنم. اما شما فقط فارغ‌التحصیلان یک دانشگاه معمولی نیستید که در شرف شروع کار در بخش خصوصی هستید. من فقط یک سخვნرانی سیاسی ارائه نمی‌دهم. من معاون رئیس‌جمهور شما هستم و به محض اینکه با مدرک و حکم خود از این دانشگاه خارج شوید، افسران نیروی دریایی ایالات متحده و سپاه تفنگداران دریایی ایالات متحده خواهید بود. این خارق‌العاده است، شما مردان و زنان، رهبران ما در نیروهای مسلح ما خواهید بود. بنابراین، درحالی‌که من و رئیس‌جمهور ترامپ به خاطر این دستاورد باورنکردنی به شما تبریک می‌گویم، فکر کردم مناسب است که کمی در مورد اینکه من و رئیس‌جمهور در مورد ماموریت شما در این دوران جدید و بسیار خطرناک برای کشورمان چگونه فکر می‌کنیم، با شما صحبت کنم.

هفته گذشته، رئیس‌جمهور سفری بسیار تاریخی به خاورمیانه داشت و با سران کشورهای قطر، عربستان سعودی و امارات متحده عربی دیدار کرد. بیشتر تیترا به تریلیون‌ها دلار سرمایه‌گذاری جدید که رئیس‌جمهور برای کشورمان تضمین کرده بود، متمرکز بود و البته این نکته مهمی است اما من در واقع فکر می‌کنم مهم‌ترین بخش آن سفر این بود که پایان یک رویکرد چنددهه‌ای در سیاست خارجی را رقم زد که به نظر من گسستی از سابقه‌ای است که توسط پدران بنیانگذار ما ایجاد شد.

ما یک تجربه طولانی در سیاست خارجی خود داشتیم. براین اساس که دفاع ملی و حفظ اتحادهایمان را با ملت‌سازی و دخالت در امور کشورهای خارجی معاوضه می‌کردیم. حتی زمانی که آن کشورهای خارجی ارتباط بسیار کمی با منافع اصلی آمریکا داشتند. آنچه از رئیس‌جمهور ترامپ می‌بینیم، یک تغییر نسلی در سیاست است که پیامدهای عمیقی برای کاری دارد که از تک‌تک شما خواسته خواهد شد انجام دهد.

درس‌هایی از سیاست خارجی گذشته

اکنون، پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، سیاست‌گذاران ما فرض کردند که برتری آمریکا در صحنه جهانی تضمین شده است. برای مدت کوتاهی، ما یک ابرقدرت بدون رقیب بودیم و باور نداشتیم که هیچ کشور خارجی بتواند برای رقابت با ایالات متحده آمریکا به پا خیزد. بنابراین رهبران ما قدرت سخت را با قدرت نرم معامله کردند. ما ساخت چیزها را متوقف کردیم؛ همه چیز، از اتومبیل گرفته تا رایانه و سلاح‌های جنگی. ما ساخت کشتی‌هایی که از آب‌های ما محافظت می‌کنند و سلاح‌هایی که در آینده استفاده خواهند داشت را متوقف کردیم. چرا این کار را کردیم؟ خب! بسیاری از ما معتقد بودیم که ادغام اقتصادی به‌طور طبیعی با شبیه‌تر کردن کشورهایی مانند جمهوری خلق چین به ایالات متحده، به صلح منجر می‌شود.

گفتار سیاستمدار

با گذشت زمان، به ما گفته شد که جهان صرف‌نظر از فرهنگ یا کشور، به سمت مجموعه‌ای یکنواخت از آرمان‌های بی‌روح، سکولار و جهانی همگرا خواهد شد. کسانی که نمی‌خواستند همگرا شوند سیاست‌گذاران ما را مجبور کردند هدف خود را به همراه کردن آنها با توسل به هر ابزاری قرار دهند.

بنابراین، به جای اینکه انرژی خود را صرف واکنش به ظهور رقبای جدید مانند چین کنیم، رهبران ما کاری را دنبال کردند که تصور می‌کردند برای ابرقدرت برتر جهان آسان‌تر خواهد بود. ساختن چند دموکراسی در خاورمیانه چقدر می‌تواند سخت باشد؟ خب، معلوم شد که تقریباً به طرز عجیبی سخت و به طرز باورنکردنی پرهزینه است و این سیاستمداران ما نبودند که عواقب چنین محاسبه اشتباهی را متحمل شدند. این مردم آمریکا بودند که تریلیون‌ها دلار متضرر شدند اما بیش از هر کسی، این هزینه را افرادی که همین چند سال پیش در جایگاه شما بودند، یعنی اعضای ارتش ما و خانواده‌هایشان، متحمل شدند. ده‌ها هزار جنگجو که وقت، انرژی گرانبها و در برخی موارد، جان خود را در حین انجام وظیفه فدا کردند؛ آنها کسانی هستند که هزینه شکست‌های گذشته را متحمل شدند.

رهبران ما اهداف استراتژیک واضح و روشن را به خاطر ایده‌های انتزاعی بلندپروازانه و اغلب نامنسجم خودشان رها کردند. به‌عنوان مثال، اینگونه بود که ما در نهایت به دنبال ساخت یک اسکله ۲۳۰ میلیون دلاری در غزه رفتیم که در مجموع ۲۰ روز کارایی داشت و در عین حال بیش از ۶۰ عضو ارتش آمریکا در ساخت و نگهداری این اسکله زخمی شدند. دولت ما توجه خود را از رقابت با قدرت‌های بزرگ برداشت و برای رویارویی با یک دشمن همتا آماده نشد. در

ما یک تجربه طولانی در سیاست خارجی خود داشتیم. براین اساس که دفاع ملی و حفظ اتحادهایمان را با ملت‌سازی و دخالت در امور کشورهای خارجی معاوضه می‌کردیم. حتی زمانی که آن کشورهای خارجی ارتباط بسیار کمی با منافع اصلی آمریکا داشتند. آنچه از رئیس‌جمهور ترامپ می‌بینیم، یک تغییر نسلی در سیاست است که پیامدهای عمیقی برای کاری شما خواسته خواهد شد انجام دهد

فرار از ماموریت

جی‌دی‌ونس معاون دونالد ترامپ در سخنانی استراتژی

عوض، ما خود را وقف وظایف پرآکنده و بی‌سروته کردیم. مانند جست‌وجو و ترور تروریست‌های جدید؛ آن‌هم در حین ایجاد کردن رژیم‌های جدید.

بازگشت به استراتژی منظم

حالا می‌خواهم واضح سخن بگویم. دولت ترامپ این مسیر را معکوس کرده است. دیگر خبری از ماموریت‌های نامشخص نیست. دیگر خبری از درگیری‌های بی‌پایان نیست. ما در حال بازگشت به یک استراتژی مبتنی بر واقع‌گرایی و محافظت از منافع ملی اصلی خود هستیم. البته این سیاست، به معنای نادیده گرفتن تهدیدها نیست. اما به این معنی است که ما با نظم و انضباط به تهدیدها نزدیک می‌شویم و وقتی شما را به میدان نبرد می‌فرستیم، این کار را با مجموعه‌ای از اهداف بسیار مشخصی که در ذهن داریم، انجام می‌دهیم.

در نظر بگیرید که چگونه این موضوع در آخرین درگیری بزرگی که با حوثی‌ها در خاورمیانه داشتیم، به وقوع پیوست. ما با یک هدف دیپلماتیک روشن وارد نبرد با حوثی‌ها شدیم. نه اینکه پرسنل نظامی خود را درگیر یک درگیری طولانی‌مدت با یک بازیگر غیردولتی کنیم. بلکه قصد داشتیم با مجبور کردن حوثی‌ها به توقف حملاتشان به کشتی‌های آمریکایی، آزادی ناپوری آمریکا را تضمین کنیم. این دقیقاً همان کاری است که ما انجام دادیم.

ما این هدف را از طریق نیروی عظیم علیه اهداف نظامی حوثی‌ها دنبال کردیم. تنها در ۱۰۰ روز اول دولت ترامپ، توانستیم در درگیری‌ای که تقریباً دو سال ادامه داشت، به آتش‌بس برسیم. اینگونه باید از قدرت نظامی استفاده شود. قاطعانه اما با یک هدف مشخص. ما باید در تصمیم‌گیری برای ضربه زدن محتاط باشیم، اما وقتی ضربه می‌زنیم، محکم ضربه می‌زنیم و

